

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

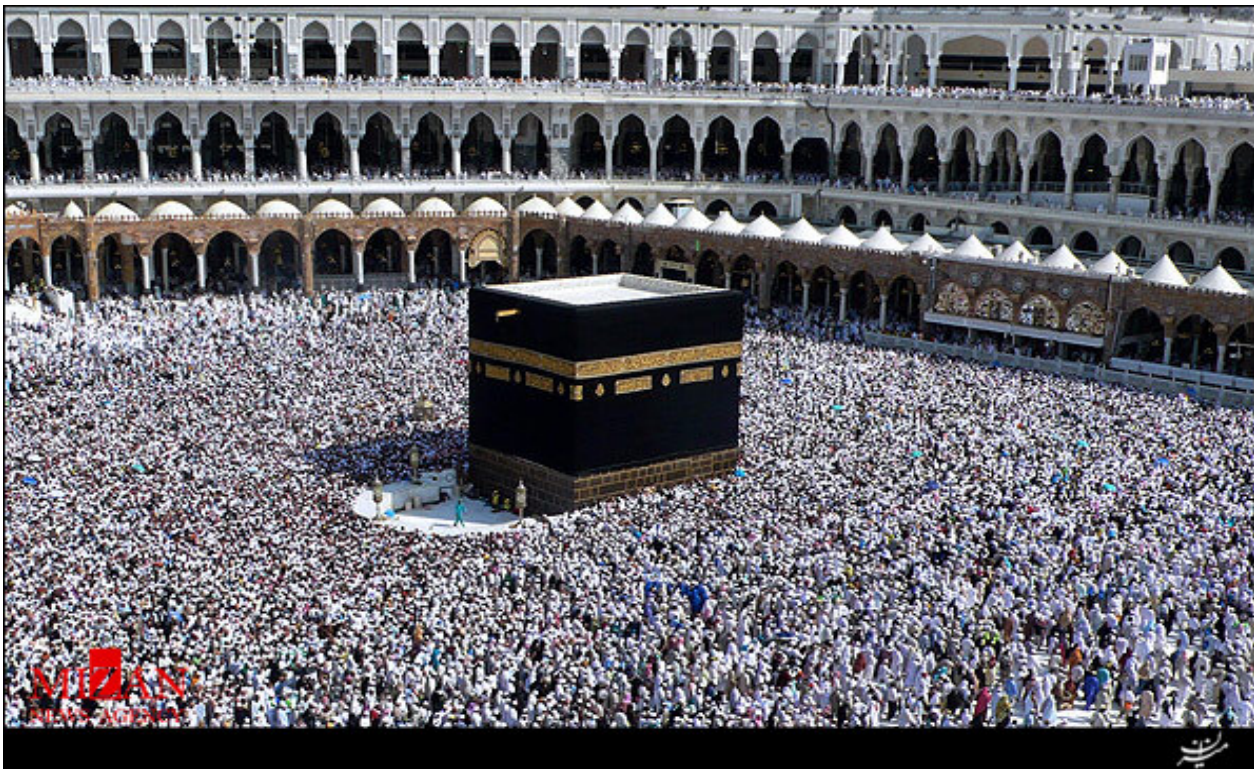
جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ

حال که به لطف خداوندی امید می‌رود دیدار خانه دوست و کعبه موصوف نزدیک باشد و انتظاری ۱۳ ساله بپایان رسد ، وظیفه خود میدانم که که از همه اساتید، دوستان و همکاران عزیز بویژه اعضای محترم گروه چشم و پرسنل دلسوز بیمارستان های لبافی نژاد و نگاه، از همه سبک کاری ، کم کاری و بدکاری های خود در حق هرکس و هر مجموعه ای عذرخواهی نمایم. امیدوارم با چشم پوشی از همه تقصیر ها و دعای خیر شما سفری موفق و زیارتی مقبول در پیش داشته باشم. انشالله

دعا گوی شما

دکتر محمد رضا جعفری نسب

۱۳۹۶/۵/۲۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« ان اول بيت وُضِعَ للناس للذي ببكة مباركاً و هدي للعالمين فيه آيات بينات مقام ابراهيم و من دخله كان امناً و لله علي الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً

ضمن تشکر صمیمانه از محبت همه دوستان عزیز و گرامی که با توجه به بعضی تبلیغات رسمی و مطالب شبکه های اجتماعی و سوابق قبلی، نگرانیهایی پیرامون حج امسال به اینجانب و بعض دوستان دیگر ابراز نموده اند، نکاتی چند را به استحضار عزیزان میرسانم .

به نظر این حقیر، مشکلات اینچنینی که عموماً از عوامل حکومتی و دولتی ناشی میشود و ملت‌ها عموماً از آن بیخبر یا بی‌بهره هستند، به صرف قطع ارتباط و تحریم و تکفیر و مانند آن، نه تنها حل نمیشود که تشدید هم مگردد. بر مبنای تجربه و اندیشه اگر بدنبال راه حلی هستیم، تنها راه، ارتباط و گفتگو است چونکه باید قبل از اینکه به علت نا آگاهی، درک غلط یا اطلاعات نادرست که توسط افراد یا تشکیلات ذینفع و ذی نفوذ یا جاهل و کم شعور به مردم إلقاء میشود، به اختلاف عقاید و افکار خود با دیگران دامن بزنیم و آنها را در نظر یکدیگر بزرگ جلوه دهیم، به اشتراکات بزرگ بین خود توجه کنیم که از همه مهمتر وجه انسان بودن و اعتقاد به توحید است که ویژگی تمام ادیان ابراهیمی اعم از یهودی و مسیحی و اسلام است که هر سه از نسل ابراهیم هستند و دعوت به توحید کرده اند. از اینرو کعبه همچنان که بزرگترین خاستگاه و پایگاه توحید است، مهمترین مرجع و مآمن توحیدیان و توحیدپرستان نیز هست بنا براین، فلسفه حج باید و میتوانید تحکیم وحدت و تاکید بر اشتراکات باشد و مسافران حج پیام رسان و پیام آور وحدت برای ملت‌ها بویژه پیروان ادیان توحیدی خاصه مسلمانان اعم از شیعه و سنی، حنبلی و شافعی، مالکی و حنفی باشند.

فرقه سازی و فرقه گرایی که از سال های گذشته دور تا امروز توسط عوامل زور و زر و تزویر یا به عبارتی دیگر استثمارگران، بیگانگان، حاکمان و دولتمردان زور مدار و قدرت طلب و زراندوز در سراسر جهان تولید و ترویج و تبلیغ میشود، به اسم ؛ وهابی، بهائی، صهیونیسم، تشیع صفوی، تشیع انگلیسی و تشیع احمدی نژادی و... هدفی جز استضعاف و استثمار و استعمار و استعمار ملت های مظلوم ندارند. تنها تفاوت مهم این روند طولانی، در سالهای اخیر، تسهیل در ترویج و تبلیغ فرقه های مذهبی و قومی و... در اثر تولید و توسعه شبکه های اجتماعی و مجازی است که بصورت ارزان و رایگان بین ملل مختلف، دولتها با ملت ها و اقشار مختلف هرملتی رواج میابد.

واقعیت پیدا و پنهان همه این فرقه سازیها، ایجاد و تشدید اختلاف و جنگ در میان محروم مان و مستضعفان مالی و مذهبی و فرهنگی با ریشه واحد جهل و نادانی است که ثمره ان جهانی سراسر ظلم و بی عدالتی است که امروز مشاهده میکنیم. در این جهان مملو از ظلم و ستم "ظالم و مظلوم" که ظالم در حد توانش ظلم میکند و مظلوم به حد ناتوانیش ظلم می بیند "آمریکا در حد توانش ظلم میکند و روسیه در حد وسعش، شرق بقدر توانش و غرب بقدر امکاناتش حاکمان، دولتها، ملت ها و اقشار مختلف هر ملتی، هر کدام به اندازه توانمندی یا ضعف خود ظالم یا مظلوم هستند و عدالت گمشده همگانی است چه باید کرد؟ با این واقعیت تلخ چگونه برخورد کنیم؟ ساکت و بی تفاوت از کنار ان بگذریم؟ انرا صرفا ناشی از حاکمان و دولت مردان بدانیم؟ یا خیال خود را راحت کرده و اینگونه مشکلات را جزء لا ینفک جهان سومی بودن دانسته و خود را جهان اولی بدانیم!

اما بنظر حقیر در این شرایط، اقلیتی که طمع ظلم را چشیده و هر روز در اطراف و کشور و منطقه خود شاهد نوعی از ظلم و بیعدالتی هستند، هر چند خود نیز "بری از ظلم کردن نیستند، اما هنوز غرق ان نگشته اند" ذهنشان در برزخی از یک باور و یک وظیفه مشغول میشود، باور به اینکه فلسفه تاریخ بدرستی موضوع مهدی موعود را تحلیل کرده و وعده خداوند مبنی بر "یملا الله الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا" قرین به تحقق است. و احساس وظیفه اینکه، در این زمان تا آن روز بر عهده این جمع هر چند اندک بویژه عالمان عاقل و حکیمان متفکر و مومنان متقی چه مسئولیتی نهاده شده است؟

همه ما میدانیم که علم بدون تعقل، تفکر و دانایی بدون عمل متعهدانه و آگاهی بدون باور و پرهیزگاری، رستگاری بدنبال ندارد اما بپذیریم که دانایی و علم شرط لازم برای هر گام بعدی است و با جهل و نادانی هرگز باور صحیح و عمل صالح و پرهیزگاری خدا خواسته محقق نخواهد شد. پس بر ماست که قبل از هر چیز برای آگاهی و دانایی هر کس در هر حد که میتوانیم تلاش کنیم تا آنان را برای رهایی از سلطه این همه زور و زر و تزویر، توانا نماییم.

مهمترین علت اختلافات مذهبی و قومی بویژه در منطقه ما همین جهل و نادانی و یا اطلاعات غلط است که به مراتب از نا آگاهی، خطرناک تر میباشد که باید آنرا "جهل نوین" نامید که متأسفانه توسط عده ای عمداً یا سهواً ترویج میشود. و محرومیت فرهنگی و کج فهمی و بد فهمی دینی را تداوم میبخشد و زور مداران و زراندوزان و فریب کاران را در اهداف پلید خود موفق می نماید.

بنا بر این نوع دوستی و وظیفه شناسی ایجاب می کند که عالمان و ارسته این سیکل تکراری معیوب را با علم و دانایی بشکنند و ریشه این همه اختلافات کاذب و جنگهای بیمورد را بسوزانند.

آخر چه نسبتی میان عمال حکومت ال سعود که خود مطیع محض حاکمان مستکبر و زر اندوز و حيله گر آمریکا هستند با مردم مستضعف فکری و عقیدتی عربستان اعم از شیعه و سنی وجود دارد؟ گناه مردم مظلوم عربستان چیست؟ جز اینکه سالهاست تحت ظلم و ستم و استبداد فرقه ای ساخته شده عوامل زور و زر و تزویر با سوء استفاده از جهل و نادانی همراه با فطرت توحیدی آنها "به اسم اسلام ناب باقیمانده از اسلاف و اصحاب اولیه اسلام"، ادیان و مذاهب دیگر را تکفیر میکنند و بر ای آن جنگ و خودکشی و دیگر کشتی میکنند. آیا این وحشیگری و گاهها بدتر از آن جز حاصل ترکیب جهل و عشق و لو عشقی پاک و مقدس است؟ هر چند که اوج این ترکیب خطرناک در تفکر یا به عبارت صحیح تر بی فکری داعشی و طالبانی مشاهده میشود ولی انواع و اقسام دیگر آن نیز در سایر فرقه های مذهبی و قومی دیده می شود که وجه مشترک همه آنها نادانی و یا بد فهمی در حوزه دین و فرهنگ است که با حس و یا عشق انجام وظیفه دینی ممزوج گذشته و منطقه را برای غارتگران مستعد کرده و میکند. نمونه دیگر آن در ایران و مذهب تشیع در عصر صفوی است که حاکمان و پادشاهان، معجونی از تشییع اصیل و مذهب مسیحی بعلاوه فرهنگ ایرانی و غرب آن زمان را بعنوان مذهب رسمی و حاکم به مردم معرفی نمودند. منظورم از این کلمات به هیچ وجه نادیده گرفتن خدمات و شایستگی های سلسه صفوی بویژه شاه عباس کبیر در حفظ تمامیت ارضی ایران در قبال ترکان عثمانی و آبادانی کم نظیر ایران به علت شایسته سالاری ملی و حتی فراملی، نیست بلکه بر اساس تاریخ ایران در عصر صفوی میگویم که شاه عباس، مذهب تشیع که در ایران بتازگی حاکم شده بود بگونه ای با بهره گیری از مسیحیت و فرهنگ ایران و غرب آراسته کرد که بتواند در مقابل حکومت عثمانی که قصد سلطه بر ایران داشت را مقاوم، متحد و مجهز نماید همانگونه که انگلیس در ایجاد فرقه وهابی عمل کرد

اودر این راستا نه تنها به مشترکات شیعه ایرانی و سنی عثمانی توجه ای نکرد بلکه درمقابل ان، نکات اختلافی را برجسته و درموردی اضافه کرد و بدین ترتیب دین در خدمت حکومت و ملیت قرار گرفت .

بدون اینکه بخواهیم ملی‌گرائی را نکوهش کنیم، ولی باید بپذیریم که موضوع دین؛ قوم، کشور و منطقه ای خاص نیست. هر چند خاستگاه دین ممکن است قوم عرب، عجم و غیره باشد ولی مخاطب ادیان الهی هیچگاه قوم، مملکت یا منطقه ای خاص نبوده اند. چون موضوع دین که خدا و اخلاق و رستگاری است، طبعاً مخاطب آن انسان است، فارغ از همه وابستگی‌ها، اعم از قومی، نژادی و ملی. تلفیق این دو بجای همزیستی منطقی برخلاف تصور رایج بنظر من به نفع هیچکدام نیست. و جز سردرگمی و آسیب به هر دو، حاصلی ندارد. اینکه عده ای معتقدند که دین از سیاست جداست و جمعی مخالف آن، با این موضوع جداست. در اینجا منظور این است که بدانیم دین امری فراملیتی و فرامرزی و فراقومی است بویژه ادیان ابراهیمی یا به عبارت دیگر ادیان توحیدی. اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین توحیدی دارای سه اصل اساسی است که جهان بینی اسلام را مشخص میکند که اولین و اساسی‌ترین آن توحید است و دو اصل دیگر در ذیل آن معنی میابند. در باور توحیدی جهان هستی دارای يك قدرت مطلق است که به تعبیر من میتوان آنرا "Absolute Power" نامید بنام "الله" که همه اسماء الله در ذیل آن قرار دارند، همانند خالق، عالم، قادر، حکیم و... که همگی متصف به صفت مطلق نیز هستند. در این باور توصیف الله توسط هیچکس و هیچ چیز و هیچ راهی اعم از فلسفی و عقلی و تجربی میسر نیست هر چند که عقل و فلسفته و تجربه دلیل محکمی بر رد آن ندارند و یا آنرا مغایر عقل و فلسفه ندانند. از اینجاست که ضرورت و فلسفه اصل دوم اساسی در جهان بینی توحیدی یعنی نبوت مشخص میشود که حاصل دائمی و جاوید آن قرآن مجید است که در سندیت آن همه اتفاق نظر دارند، چه اینکه آنرا وحی منزل از جانب الله میدانند و چه کسانی که آنرا حاصل او هام و خیالات محمد امین میدانند و چه افرادی که منقولات و محفوظات فردی عجم یا عرب می‌پندارند، ولی همگی قبول دارند که قرآن آیات و کلماتی است که بر زبان محمد بن عبدالله جاری شده. برابر این سند است که به اصل اساسی سوم جهان بینی توحیدی یعنی معاد میرسیم که مخاطب آن همه انسانها هستند فارغ از قوم و نژاد و ملیت، که بر مبنای آن، زندگی هر آدمی دارای سه مرحله میباشد، دنیوی، برزخی و اخروی که مرحله دنیوی آن مورد اتفاق همه انسانها است ولی مراحل بعدی آنرا عده ای قبول دارند و گروهی باور ندارند. قرآن نیز این واقعیت را پذیرفته و اعلام نموده و ویژگیهای هر کدام را بر شمرده ولی باز بدون تفاوت در نژاد و رنگ و جغرافیای زندگی. بنابر این واضح است که در جهان بینی اسلامی برتری نژادی وجود ندارد و به تبع آن در دعواها و جنگهای عقیدتی، مرز حق و باطل یا ظالم و مظلوم را مرز جغرافیایی تعیین نمیکند، در حالیکه در جنگهای مرسوم اعم از کوچک و بزرگ اصل، قومیت و مرزهای جغرافیایی هستند. یکی دانستن و تلاش برای یکی کردن ایندو به ضرر هر دو است و هم باعث نارضایتی مردم میگردد و هم آسیب به ادیان توحیدی. امری که در عرصه کشور ما نیز نمونه‌های فراوانی از آن دیده میشود. با این باور حج، بعنوان یک امر دینی، تجلی دعوت به توحید است که بر اساس آن خدای همه انسانها یکی است و بر مبنای آن همه انسانها از یک جنس هستند، بدون توجه به نژاد و کشور و حتی بدون در نظر گرفتن جایگاه اقتصادی، اجتماعی، علمی و سیاسی متفاوت آنها، لذا از همه آنان میخواهد شعار واحدی سر دهند و درخواست یکسانی داشته و عملکردی مشابه داشته و از مواهب به يك نسبت استفاده نمایند که حد اعلائی نوعدوستی و عدالت دینی و فرهنگی و اقتصادی را به نمایش میگذارد. چنین اجتماعی و چنان مناسکی چگونه میتواند منادی اختلاف و جنگ و تحریم باشد؟ و یا اختلافات نژادی و ملیتی و حتی مذهبی موجود در مسلمین را عاملی برای تحریم یکدیگر، تکفیر همدیگر و

جنگ با هم بداند؟ "بجز نادانی و کج فهمی"؟!، حتی اگر زور و زر و تزویر در اینگونه جنگ و جدال ها نقشی هم داشته باشند در غیاب دانایی و در حضور جهل و ناآگاهی و فهم غلط از دین است. هیچکدام از این مشکلات پیش گفته به انجام نمیرسد مگر با علم و دانایی، چرا که جهل و اطلاعات غلط یک داعشی نسبت به مذهب خود و دیگر مذاهب است که باعث می شود فریب خورده و در حد عاشقی مجنون با یک عملیات انتحاری جان خود و عده‌ای دیگر را به کشتن دهد و بذر کینه و نفرت در قلب و دل قومی دیگر با مذهبی متفاوت بکارد با اینکه هر دو ادعای دین توحیدی دارند ولی هیچکدام "علم توحید" ندارند. حاصل این اقدامات و تلافیهای جاهلانه، سیکل معیوبی است که محرومیت فرهنگی و اقتصادی، کج فهمی و بد فهمی دینی را تداوم میبخشد. بنا بر این، حس نودوستی و وظیفه شناسی ایجاب می کند که عالمان و ارسته این سیکل تکراری معیوب را با علم و دانایی بشکنند تا ریشه این همه اختلافات کاذب و جنگهای بیمورد را بسوزانند که یکی از راههای آن ارتباط و گفتگو و آگاهی دادن است.

بنا بر این مهمترین وظیفه همه عالمان متعهد و ارسته، آگاهی بخشی صحیح به مردمان منطقه برای رهایی از بند نادانی و خرافات و فرقه های ساخته شده به دست زور و زر و تزویر است. با این اندیشه است که حج امسال را گامی در مسیر آگاه کردن و آگاه شدن می پندارم، به این امید که شاید اندکی از این اختلافات کاذب و جدال و جنگهای بی حاصل و مخرب بویژه در جامعه مسلمین و منطقه اشوب زده خاورمیانه که عمدتاً برخاسته از جهل و بدتر از جهل است، کاسته گردد. انشاءالله

التماس دعا از همه شما عزیزان
دعاگوی شما بزرگواران
به امید زیارت مجدد دوستان
دکتر محمد رضا جعفری نسب
۱۳۹۶/۵/۲۲

